عنوان مقاله: زندگانی القاص میرزای صفوی

نویسنده : میرجعفری، حسین

آنجا سرکشی میکرد و در کار اطعام فقیران شرکت می‏جست و حتی گاهی حوله به کمر میبست و بدست خود برای ایشان پلو میکشید.در سال 1014 هجری پس از آنکه بفرمان او مقرر شد روزی دو بار بفقرا غذا دهند.آشپزخانه تازه‏ای در آرامگاه شیخ‏ بنا کردند.

اولیا ریوس که در زمان شاه صفی جانشین شاه عباس به‏ اردبیل آمده درباره آشپزخانه شیخ می‏نویسد که روزانه برای‏ بیش از هزار نفر غذا می‏پختند.در اینجا خدمه مقبره و فقرا روزی سه بار غذا میخوردند.صبح ساعت شش،ساعت 10 پیش از ظهر و سپس ساعت 3 بعدازظهر83دو غذای اولیه از بودجه شیخ‏ و سومی را از بودجه شاه میپرداختند.دو غذای اول رویهمرفته‏ برای همه آن عده روزانه 150 عباسی یعنی 3 تومان میشد.

نکته‏ئی که باید به آن اشاره شود این است مخارجی که در مقبره شیخ صفی بابت پذیرائی از زائرین بمنظور مبادله محصولات‏ غذائی با پول بوده که در جریان آن فرآورده‏های کشاورزی بمصرف‏ رسیده و تبدیل به پول میشده است.

اردبیل در عهد نادر

سقوط حکومت صفویه باعث شد که روسیه و ترکیه فعالیت‏ سیاسی خود را علیه ایران تشدید کنند.در سال 1135 هجری‏ لشگریان روس،دربند و در سال 1136 هجری باکو را اشغال‏ کردند.

در سال 1140 هجری ترکها،شهر اردبیل را که طهماسب‏ تیره‏بخت از آنجا به قزوین گریخته بود اشغال کردند.طوایف‏ شقایقی و شاهسون‏ها از اشغال ترکها خشمگین شده و علیه‏ (83)-اردبیل در گذرگاه تاریخ بخش مربوط به سفر اولیاریوس به اردبیل انسان در این شهر شورش کردند اما در مقابل بیست هزار سرباز ترکیه تاب مقاومت نیاورده بحوالی دشت مغان عقب‏نشینی‏ نمودند.نادر در سال 1143 هجری با یکصد هزار سپاه به‏ آذربایجان لشگر کشید و در 27 محرم آن سال تبریز و چندی بعد اردبیل را از ترکها گرفت.

نادر در سال 1147 به تسخیر شیروان که تحت تسلط سرخای خان لکزی دست نشانده سلطان عثمانی بود رفت در این‏ موقع به اردبیل آمده و مقداری از اثاث مقبره شیخ صفی را(یک عدد پیاله فادزهر مرصع،دو عدد تنگ که قسمت دهنه و گردن آن از طلا و زیر آن مزین به یاقوت بود)با سیزده مجلد کتاب از کتابخانه‏ مقبره برداشت با خود برد علاوه بر این سه مجلد دیگر بمیرزا- مهدیخان منشی‏باشی داد.84

ابراهیم خان برادر نادر شاه موقع عزیمت بداغستان به اردبیل‏ آمد و ظرف فادزهر بقعه را همراه پنج شش مجلد قرآن به بهانه‏ مطالعه غلام بچه‏ها از متولی مقبره گرفت و با خود برد.85

نصر اله میرزا که در زمان حمله نادر به شیروان طفل و همسفر وی بود یکعدد قلیان از مقبره برداشت و پس از کشتار و تنبیه مردم شیروان مجددا به اردبیل آمده یکعدد کاسه فیروزه‏ چینی بسیار نفیس را از متولی گرفت و برد.86

در سال 1148-1147 هجری نادر آذربایجان شمالی و گرجستان شرقی و ارمنستان شمالی را از وجود سپاهیان ترک پاک‏ کرد و در هشتم رمضان 1148 بساحل ارس آمد و در صحرای‏ مغان اردو زد.

(84 و 85)-گنجینه شیخ صفی،کتابخانه ملی تبریز بکوشش سید یونسی‏ سال 1348 ص 85 و 86

(86)-گنجینه شیخ صفی،کتابخانه ملی تبریز بکوشش سید یونسی سال‏ 1348 ص 85

بدستور نادر همه بزرگان و نظامیان و مأموران و روحانیون‏ و خلیفه ارامنه و قاضیان و بگلربیگان و خوانین و ملاکین بزرگ، سران قبایل چادرنشین،کلانتران و عده کثیری از کدخدایان‏ دهات و حتی ریش‏سفیدان و رؤسای محلات شهرها باین کنگره‏ دعوت شدند.تعداد شرکت‏کنندگان در این کنگره یا باصطلاح‏ آن روز قورولتا رویهمرفته به 20 هزار نفر می‏رسید و طبق‏ اطلاعات رسمی حتی صد هزار نفر(در این رقم عده خدمه نیز منظور شده است)گرد آمده بودند.87

برای مدعوین در دشت مغان 12 هزار ساختمان موقتی از آنجمله مسجدها و گرمابه‏ها و بازار ساخته شده بود.88پس از آنکه‏ همه دعوت‏شدگان در دشت مغان گرد آمدند.نادر در 24 شوال‏ 1148 یعنی 12 روز به نوروز مانده تاج سلطنت بر سر گذاشت. در زمان نادر شاه دوازده هزار خانوار از شاهسونهای دشت مغان‏ بفرمان این پادشاه بسرکردگی قاسم علیخان و قره بیک که دو برادر بودند برای حفاظت از مرزهای غربی ایران بدانسو رهسپار شدند.در زمان کریمخان زند این عده به شیراز رفته و در آنجا سراخیمه زدند پس از مرگ کریمخان زند آنها می‏خواستند که‏ به محل اولیه خود یعنی دشت مغان بازگردند ولی آغا محمد خان‏ قاجار مانع شد و آنانرا در حوالی همدان،قزوین،ساوه جای‏ داد و محل ییلاق و قشلاق آنان مشخص شد.89

نادر شاه افشار و کریمخان زند و پادشاهان قاجار بمنظور تقلیل قوای عشایر و قبایل اقدام به متفرق ساختن و کوچاندن‏ آنها نمودند.اینانلوها را از مغان بساوه انتقال دادند گروهی‏ (78 و 88)-تاریخ ایران تألیف پنج نفر از ایران‏شناسان ص 634.

(89)-اردلان،ظفردخت-مجموعه سخنرانیهای سومین کنگره تحقیقات‏ ایرانی ص 133

از ایل بغدادی شاهسون را بنا بنوشته فیلد (Field) در اواخر دوره صفویه به بغداد کوچانیدند لیکن بعدها نادر آنانرا بشیراز برگردانید.

شهر اردبیل بر اثر لشگرکشیهای نادر انحطاط اقتصادی‏ عظیمی را گذراند و مثل سایر شهرهای آذربایجان بیشتر از دو ثلث‏ جمعیت خود را از دست داد.90

در این زمان بازرگانان خارجی تقریبا در همه جا،دچار غارت،اعمال زور و اخاذی میشدند.مثلا از بازرگانان روس در شماخی،اردبیل و تبریز و اصفهان بفرمان نادر شاه جریمه‏های‏ پولی کلانی گرفته شد و کالاهای آنها نیز ضبط و غارت گردید.91

در این دوره از مسافرانی که از طریق اردبیل(از رشت به تبریز) عبور میکردند مبلغی به عنوان راهداری در اردبیل گرفته‏ میشده از هر بار پارچه اسب و قاطر 40 کپیک،از هربار الاغ 20 کپیک،در مورد کالاهای کشیدنی نیز از هر بار اسب و قاطر 15 کپیک و از هر بار الاغ 10 کپیک میگرفتند.92

در این زمان یک من غله در تبریز 900 دینار قیمت داشت‏93 و فقر و تنگدستی مردم اردبیل بحد اسف‏انگیزی رسیده بود وضع‏ تا اواخر افشاریه چنین بود و فقط در عهد کریمخان تا اندازه‏ی‏ وضع مردم اردبیل مثل سایر نقاط آذربایجان نسبتا خوب شد.

قاجاریه و اردبیل

شهر اردبیل که در دوره صفویه از برکت مقبره شیخ صفی‏ (90)-تاریخ ایران تألیف پنج نفر از ایران‏شناسان شوروی ص 632

(91)-دولت نادر شاه افشار تألیف دو نفر از ایران‏شناسان شوروی ترجمه‏ حمید مؤمنی ص 312

(92)-همان منبع ص 312

(93)-تاریخ ایران تألیف پنج نفر از ایران‏شناسان شوروی ص 633

رونق و شکوه خاصی داشت و بست و پناهگاه مجرمین بود پس از انقراض سلسله صفوی آسیب زیادی بآن شهر وارد شد و در دوره‏ قاجاریه عملا به تبعیدگاه سیاسی تبدیل گردید.

در این زمان قلعه اردبیل معروف به«نارین قلعه»بدستور عباس میرزا نایب السلطنه توسط مهندسین فرانسوی بسرپرستی‏ ژنرال گاردان نماینده ناپلئون بمنظور مبارزه با روس‏ها ساخته شد.

در 1219 هجری(1804 م)«ژوبر»از جانب ناپلئون‏ امپراطور فرانسه به ایران آمده بود و در سال 1220 هجری‏ (1805 م)بحضور عباس میرزا که در این موقع بعلت جنگهای‏ ایران و روس در اردبیل بسر میبرد رسید و راههای سوق الجیشی‏ اردبیل را مورد مطالعه و بررسی قرار داد.94

در سال 1227 هجری سپاهیان روس در ناحیه اصلاندوز قوای عباس میرزا را که شاهسونها قسمتی از قشون او را تشکیل‏ میدادند غافلگیر کردند و تلفات سنگینی بآن وارد نمودند و متعاقب‏ آن عهدنامه گلستان در 29 شوال 1228 هجری بین دولتین ایران‏ و روس منعقد گردید.بموجب این عهدنامه مالکیت روسیه بر قراباغ و شروان،باکو،دربند،لنکران و قسمتی از طالش تائید گردید.پس از آن روسها در منطقه طالش و قسمتهای شمالی‏ مغان ساکن شدند و این موضوع باعث تهدید سرزمین‏های قشلاقی‏ شاهسونها گردید.

در سال 1242 هجری روسها گوگجه را که ناحیه سرحدی‏ بود تصرف کردند و از دادن آن خودداری نمودند.یکسال بعد یعنی در رجب 1243(ششم فوریه 1828 م)قشون روس بفرماندهی‏ (94)-مسافرت به ارمنستان و ایران.ب.آ.ژوبر ترجمه محمود هدایت‏ سال 1322 ص 91

شوستلن فرمانده روس در میان برف و سرما وارد اردبیل شد. به دستور شوستلن«تروسون»دوازده توپ را در 282 متری قلعه‏ اردبیل جا داد.در این موقع در دیوارهای قلعه 27 توپ و در داخل‏ آن 200 نفر سرباز بود.فرمانده قشون با پسران عباس میرزا و فرمانده توپخانه با یک نفر ایتالیائی بنام برناردی (Bernardi) بود.95

به محض آنکه سه تیر توپ از طرف روسها شلیک شد و یکی‏ از آنها در خانه شاهزادگان فرود آمد پسران عباس میرزا تسلیم‏ شدند.پس از آن شوستلن بفرمان پاسکیویچ،سرهنگ سنیاوین‏ (Seniavine) را به حکمرانی اردبیل گماشت و یک شورای اداری‏ با عضویت نمایندگان روحانیان و مردم شهر تشکیل داد.96

هنگامی‏که پاسکیویچ عازم ترکمان چای بود پرنس‏سوورو (Sovorov) ستوان گاردسوار را با کلید قلعه اردبیل نزد امپراطور فرستاد و گزارشی درباره گرفتن اردبیل و اجتماع در ترکمان‏چای‏ داد.97

پاسکیویچ قبل از امضای معاهده صلح ترکمانچای کتابخانه‏ مقبره شیخ صفی را که کتابهای آن بزبانهای فارسی،عربی و ترکی بود بعنوان غنیمت جنگ تصرف کرد و به سن‏پطرزبورگ‏ فرستاد.مردم اردبیل هیچگونه عکس العملی در این باره نشان‏ ندادند تنها توقعی که داشتند این بود که از آن کتابهای خطی یک‏ نسخه بردارند و آن را برای نگهداری در کتابخانه مقبره‏ برای آنها بفرستند.

(95)-نفیسی سعید تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر جلد دوم سال 1344 ص 167

(96)-ایضا ص 168

(97)-ایضا ص 170

در پنجم شعبان 1243 هجری عهدنامه ترکمانچای به امضاء رسید. ده روز پس از امضای این عهدنامه پاسکیویچ از قریه‏ ترکمانچای به تبریز رفت و بسپاهیان جبهه چپ فرمان داد که‏ اردبیل را تخلیه کنند و بگرجستان برگردند.پاسکیویچ در تبریز هشتصد«دوکا»برای تسکین روحانیان آن شهر و جبران کتابهای‏ خطی که از اردبیل برده بودند داد.پاسکیویچ در این باره مینویسد:

«من دستور دادم فورا این پول را به‏پردازند و دوباره‏ اطمینان بدهند که رونوشتی از کتابهای خطی به مقبره شیخ‏ صفی فرستاده خواهد شد98

بموجب عهدنامه ترکمن‏چای ایروان و نخجوان و قسمت‏ بزرگی از منطقه قشلاق شاهسونها به روسیه واگذار شد برابر این عهدنامه شاهسونها میبایست فقط از مزارع و مراتع منطقه‏ طالش مغان استفاده نمایند و به منطقه شروان وارد نشوند.لیکن‏ آنها بدون توجه به این موضوع مرتبا از مرز عبور میکردند و گاهی هم در مناطق اشغالی روسیه به تاخت‏وتاز و قتل و غارت‏ میپرداختند.99

دولتهای ایران و روس در سال 1297(1879 م)بمنظور پایان دادن به منازعات مرزی و اسکان موقت شاهسونها در مغان‏ هیأتی به بیله سوار فرستادند.نتیجه مذاکرات دولتین ایران و روس این شد که قسمت جنوب مغان،قشلاق شاهسونها تعیین گردید.100

مشروطیت و اردبیل

در اوایل مشروطیت اردبیل در دست کنسول روس و (98)-نفیسی،سعید.تاریخ اجتماعی سیاسی ایران ص 175.

(99)-مجله بررسیهای تاریخی سال سوم شماره 6 ص 208-209.

(100)-ایضا ص 210

گماشتگان محمد علی میرزا و عشایر و میرزا علی اکبر مجتهد بود و در موقعی‏که در بیشتر شهرهای آذربایجان جنبش آزادیخواهی‏ پدیدار میگشت در شهر اردبیل بگناه هواداری از مشروطه و آزاد اندیشی مردانی چون ملااماموردی و آخوندوف بقتل رسیدند و عشایر در صدد دستگیری و قتل ستارخان که برای کمک به‏ آزادیخواهان به اردبیل آمده بود برآمدند و چندین مرتبه شهر اردبیل را مورد حمله قرار دادند.

سالهای اول مشروطیت این اختلافات باوج شدت خود رسید و شاهسونها از آغاز کار بنای مخالفت با مشروطیت را گذاشتند بطور کلی نارحتیهای ایل شاهسون در این دوره به سه صورت زیر ظاهر شد:101

1-مخالفت با مشروطه‏خواهان و مقابله با قزاقهای روس.

2-راهزنی جاده‏ها و یا غارت دهات طوایف دیگر یا مناطق مسکونی در داخل خاک روسیه.

3-بروز اختلافات داخلی.

هرج‏ومرج و لجام‏گسیختگی طایفه‏های شاهسون بصلاح‏ و صرفه دستگاه تزاری روس نبود زیرا آنها میخواستند دردسر دیگری ناشته باشند تا با خیال راحت و آسوده مشروطه‏خواهان‏ را سرکوب کنند و دولت عاجز و درمانده ضد مشروطیت یکی از تقاضاهایش از نیروهای تزاری سرکوبی همین طایفه‏ها بوده‏ است‏102و خواهش دولت از نیروهای تزاری ابتدا دفع قوجابیگلوها و سرکوبی این طایفه بود که چهار لشگر از چهار طرف بسمت‏ خیاو راه افتادند.این ماجرا در آغاز سال 2455 شاهنشاهی‏ (101)-مجله بررسیهای تاریخی سال سوم شماره پنجم

(102)-ساعدی غلامحسین.خیاویا مشگین شهر ص 83

 (1275 شمسی)بوقوع پیوست.فدراوف ژنرال روس با چند هزار سالدات از اردبیل،دالماج اوف از تبریز و دو لشگر دیگر از بیله‏سوار و آصلاندوز همه رو بسمت خیاو گذاشتند.103

در سال 1326 هجری(1908 میلادی)در اردبیل روزنامه‏ای‏ بنام برگ سبز با چاپ سنگی توسط آقا میر احمد انتشار یافت، این نشریه دو هفتگی بود.104هر نسخه در چهار صفحه بقطع‏ 5/8-11 و به خط نسخ زیبا و درشتی منتشر میشد.وجه‏ اشتراک سالیانه در اردبیل یک تومان در دیگر نقاط ایران پانزده‏ قران،برای روسیه چهار منات(ربع)برای ترکیه 40 پیاستر و برای اروپا 10 فرانک بوده است.105

در اواخر دوره قاجاریه آقا میر صالح و میرزا علی اکبر در جامعه اردبیل نفوذ فوق العاده پیدا کردند.

در این دوره میرزا علی اکبر علاوه بر حکومت شرعی، حکومت دولتی را در دست دارد.بر علیه بالشویکها در اردبیل‏ اعلام جهاد میکند،و از باز شدن مدارس جلوگیری می‏نماید. مردم آستارا بجای حاکم اردبیل به میرزا علی اکبر نامه نوشته‏ و از او برای مقابله با حمله احتمالی بالشویکها دو عراده توپ و تعدادی تفنگ میخواهند و تقاضا میکنند که میرزا علی اکبر مجتهد نسبت به پرداخت حقوق عقب‏افتاده اداره حکومت امنیه‏ و نظمیه آستارا اقدام فرماید.106

(103)-ساعدی،غلامحسین خیاویا مشگین‏شهر ص 83

(104 و 105)-تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت تألیف‏ پروفسور ادوارد براون ص 82.

(106)-این نامه در جلد اول کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ تالیف بابا صفری‏ چاپ شده است.

آقا میرزا علی اکبر خود رأسا برای اخذ زکوة بتمام دهات‏ اردبیل میرفت.آقا بعد از انقلاب روسیه علیه بالشویکها در شهر اردبیل اعلام جهاد کرده و از مردم شهر رژه میگرفت و برای مردم‏ آستارا بخاطر جنگ با بالشویکها پول جمع‏آوری میکرد.

نویسنده سفرنامه ابراهیم بیک که در اواخر قاجاریه به‏ اردبیل مسافرت کرده مینویسد که مردم اردبیل مشغول ملابازی‏ هستند و در هرجا صحبت فلان مجتهد و فلان شیخ الاسلام و پیش‏ نماز است.او اضافه میکند که آقا میر صالح که شمشیر در دست‏ و کفن بر خود پوشیده حکم جهاد داده است و پیش از دو هزار نفر مردم شهر دور او جمع شده‏اند،این نویسنده بدنبال سخن خود اضافه میکند که نمیدانم یکی از مأمورین حکومت چه کرده بود که به طبع آقا ناگوار آمده و حکم جهاد داده بود.او را گرفته‏ کشان‏کشان بمنزل آقا بردند و آنقدر مأمور حکومت را زدند که از خود بیخود شد.107

از سرگرمیهای رایج این عصر برای مردم اردبیل گاوبازی‏ بوده که در میدان نارین قلعه انجام میشده است.بنا به نوشته‏ زین العابدین مراغه‏ای که شاهد این جریان بوده است در این زمان‏ مردم در میدان نارین قلعه مشغول تماشای گاوبازی بوده‏اند که‏ یکی از گاوها از آن خادم‏باشی و دیگری از آن نایب الصدر بوده‏ و این هر دو از علمای اردبیل بشمار میرفتند و از مردم شهر نصفی‏ مرید خادم‏باشی و نیمی هواخواه نایب الصدر بودند.108

(107)-نویسنده سفرنامه مزبور از این واقعه چنین نتیجه میگیرد که این چه‏ قیامت است؟آیا در این ملک حکومت نیست و صاحبی ندارد؟ملائی چه رسیده‏ است که مامور حکومت در زیر چوب بکشد و حکومت هم نتواند نفس بکشد (سیاحت‏نامه ابراهیم بیک ص 130)

(108)-سیاحت‏نامه ابراهیم بیک ص 128

موقعیت شهر در دوره قاجاریه

شهر اردبیل در دوره قاجاریه رونق و شکوه دوره صفویه‏ را نداشت و حوادث پس از انقراض صفویه آسیب بسیار به این‏ شهر وارد کرد اما چون بعد از صفویه نیز مردم ایران مخصوصا شیعیان به آن شهر اهمیت بسیار میدادند و تا اواخر قاجاریه به‏ زیارت این مقبره میرفتند بهمین جهت تصرف آن بدست روسها در پایان جنگ دوم ایران و روس برای دربار ایران بسیار ناگوار بود.109

بشهادت«ژوبر»اردبیل در این زمان مخزن مال التجاره‏هائی‏ بوده که از تفلیس و دربند و باکو بتهران و اصفهان حمل میشد و بازارهای پررونقی داشت.طبق نوشته ژوبر استحکامات شهر متوسط و شهر از نظر وجود ساختمانهای خوب در مضیقه بوده‏ بطوریکه عباس میرزا اجبارا تمام زمستان 1220 هجری(1805 م) را(در خلال جنگ اول ایران و روس)در اطراف اردبیل گذرانیده‏ است‏110جمعیت شهر در این زمان دوازده هزار نفر بوده‏ است.111

تجارت این شهر نیز بسبب بندر«آستارا»که 12 فرسخی‏ اردبیل است مهم بوده بسیاری از امتعه و محصولات ممالک روس‏ از این شهر به آذربایجان میگذشت.لذا شهر کاروانسراهای معتبر داشته است.

این شهر در سر راه تجارتی تبریز،آستارا و لنکران واقع‏ شده و واسطه تجاری قفقاز و شهرهای داخلی و آذربایجان و غیره‏ (109)-نفیسی،سعید،تاریخ اجتماعی و سیاسی جلد دوم ص 167.

(110)-مسافرت به ایران و ارمنستان،تألیف ب.آ.ژوبر ترجمه محمود هدایت‏ سال 1322 ص 91

(111)-نفیسی،سعید.تاریخ اجتماعی و سیاسی مجلد دوم ص 167.

بوده است.در سال 1305 مال التجاره وارده به آن در حدود 10000 تن و صادرات آن 5700 تن بوده است.بهترین صادرات‏ آن خشکبار قالی و پشم است.112

در این زمان حمل مسافران و کالاهای تجارتی بوسیله قاطر و اسب و شتر انجام میگرفت و کرایه هر اسب از اردبیل تا مراغه‏ 18 قران بود113

در اطراف اردبیل چندین معدن مهم هست که برای‏ نیازمندیهای نظامی آن زمان اهمیت بسیار داشته است.عباس- میرزا بدستیاری مهندسان اروپائی قلعه آن شهر را ساخته بود که بگفته سوشتلن برتریهای چند بر قلاع دیگر ایران داشته است. گذشته از اینها در آن قلعه علوفه و خواربار و تجهیزات نظامی‏ فراوان ذخیره کرده بودند از 27 توپی که در آنجا بود چهار توپ‏ بود که سابقا در لنکران از روسها گرفته و بآنجا آورده بودند روسها آنها را بکشور خود برگرداندند.لوازم توپخانه نیز در آنجا فراوان بود114با همه این برتریها لشگریان ایران نتوانستند در دومین جنگ ایران و روس از آن شهر دفاع کنند و شهر به‏ راحتی در حمله روسها سقوط کرد.

در سال 1246 هجری عباس میرزا نایب السلطنه که در عین‏ حال والی آذربایجان بود حکومت اردبیل را به دو فرزند خود داد از این دوران است که قلعه اردبیل به علت استحکام آن تبعیدگاه‏ مخالفان حکومت گردید و در بدو سلطنت محمد شاه فرزندان‏ عباس میرزا با توصیه قائم‏مقام در آنجا زندانی شدند.

(112)-جغرافیای مفصل ایران،مسعود کیهان جلد سوم ص 42.

(113)-سیاحت‏نامه ابراهیم بیک ص 136

(114)-تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران،سعید نفیسی ص 168.

این قلعه مکانی بود محکم و مساحت آن با حصاری که داشت‏ ربع فرسنگ در ربع فرسنگ بود زمین قلعه حدود صد ذرع از زمین اطراف گودتر بود.در این زمینه مهندسین فرانسوی بدستور عباس میرزا دو قلعه میان هم در نهایت استحکام ساختند که اندازه‏ پهنای دیوار آن هفت ذرع شاه بود و یک راه بیشتر نداشت.در داخل قلعه چشمه‏ئی بود که آب مصرفی محبوسین از آنجا تأمین‏ میشد.هوای قلعه بشدت دمائی بود شدت دمائیت بدرجه‏ای بود که‏ آخر هر ماه از پانصد کشیک‏چی و مستحفظ آن بعضی مرده و عده‏ئی نیز از ناخوشی و بدحالی بحالت مرگ می‏افتادند برای‏ همین در پایان هر ماه پانصد نفر سربازان قلعه با پانصد نفر سربازان تازه‏نفس دیگر تعویض میشدند بجز اهل اردبیل که‏ عادت به آن آب‏وهوا داشتند مردم سایر مناطق قادر به زیست‏ در آنجا نبودند.

دیوارهای قلعه بقدری مرتفع بود که داخل قلعه یکساعت‏ و نیم تا دو ساعت به غروب مانده تاریک میشد اگر چراغ روشن‏ نمیکردند سربازان داخل قلعه همدیگر را نمی‏دیدند.در زمستانها نیز آفتاب در آن قلعه به چشم قلعگیان نمیرسید.

در اواخر دوره قاجار زین العابدین مراغه‏ای که به اردبیل‏ مسافرت کرده درباره نارین قلعه چنین مینویسد:

«این قلعه بسیار محکم است.در دم دروازه قلعه پیرمردی‏ ایستاده بود گویا توپچی و قراول است.شمشیری در دست‏ بدیواری تکیه داشت.قلعه دو خندق مارپیچ دارد که در روی‏ هریک پلی برای آمدوشد مردم بسته‏اند.قلعه بسیار وسیع و عمارات حاکم‏نشین در توی قلعه است.مسجد عالی و حمامی دارد.ده دوازده عراده توپ در جاهای مختلف قلعه بود.در جنب‏ توپخانه سربازخانه بوده است.115

وضع حکومت اردبیل در دوره قاجاریه

در دوره قاجاریه قلعه اردبیل حاکم‏نشین شهر بود.پادگان‏ و زندان شهر نیز در آنجا قرار داشت هرکس بیشتر پیشکش‏ و اجاره میداد وکالت حکومت را برمیداشت.در این زمان حکومت‏ اردبیل بازار حراجی شده بود.ملاکین و ثروتمندان،حکومت‏ اردبیل را به اجاره برمیداشتند و افراد مورد اعتماد خود را مأمور حکومت میکردند.در بعضی مواقع که اجاره‏داران حکومت بیسواد بودند با استخدام افراد باسواد به رتق و فتق امور می‏پرداختند.

خود حکام نیز شعبات حکومت را به اجاره میدادند مثل‏ داروغگی و غیره و هرکس یکصد تومان بمیزان اجاره میافزود داروغگی شهر از آن او میشد.اینان برای تأمین اجاره‏هائی که پرداخت‏ میکردند از هر دکان شهر اردبیل ماهی یک قرآن بنام اجرت عسس‏ میگرفتند و چون از این راه مداخل چندانی نداشتند هر شب یکی‏ دو تن از دعواکنندگان و تاجرزادگان را دستگیر کرده به قلعه‏ میآوردند و در زندان قلعه آنها را به زنجیر میکشیدند و با شکنجه‏ از آنها پول میگرفتند.داروغه محبس مخصوص داشت غالبا با شکنجه پول میگرفت.116

فراشان و داروغه‏ها به بهانه‏های مختلف مردم را دستگیر کرده و برای کسب مداخل به قلعه اردبیل میبردند و تحویل نایب‏ میدادند.نایب متهم را پیش فراشباشی و او هم متهم را پیش‏ حاکم میبرد.

(115)-سیاحت‏نامه ابراهیم بیک ص 127

(116)-سیاحت‏نامه ابراهیم بیک پیشین ص 138

حاکم با تهدید و ارعاب از متهم رشوه گرفته آزادش میکرد. پس از حاکم نوبت به فراشان میرسید اینان موقع خارج شدن متهم‏ از قلعه،پیش دویده از وی قولق(خدمتانه)میگرفتند117حاکم‏ اردبیل هر وقت قصد مسافرت داشت بدستور او چند شاگرد داروغه‏ همراه با پنج شش نفر فراش اسبهای مردم را بزور از دست‏ صاحبانشان میگرفتند و بمیدان قلعه میآوردند تا حاکم برای‏ مسافرت از آنها استفاده کند در این قبیل موارد که به آن در اصلاح‏ آن زمان«اسب‏گیری»میگفتند شهر عملا تعطیل میشد و مکاریان‏ بارهای تجارتی را انداخته فرار میکردند.

زین العابدین مراغه‏ئی که با پرداخت 15 قران بیعانه چهار اسب برای مسافرت بمراغه کرایه کرده بوده و بعلت شروع‏ «اسب‏گیری»با دو هفته تأخیر از اردبیل به قصد مراغه حرکت‏ کرده است،در این باره چنین می‏نویسد:118

«برای حاکم فقط بیست رأس یابو و استر لازم بود سبب‏ اینهمه های‏وهوی و بگیروببند و تعطیل تجارت و خسارت مردم‏ شدند.در این هنگامه فراشان حکومت زیاده بر دویست تومان‏ از مکاریان فقیر مداخل کردند».

حکام در بدو انتصاب خود برای هزینه‏های زیادی که‏ داشتند با نزول زیاد از ملاکین و تجار اردبیل قرض میگرفتند همین که معزول میشوند برای اینکه دخل و خرجشان در دفاتر تطبیق کند بدلخواه خود مردم اردبیل را بدهکار دولت میکردند. این میزان طلب دولت را در اصطلاح آن زمان«باقی محل»میگفتند.

حاکم جدید برای وصول این طلب‏ها(بقایا)مأمورین خود را بدهات اعزام میداشت تا کدخدایان را برای پرداخت و تسویه‏ (117)-سیاحت‏نامه ابراهیم بیک ص 133.

(118)-ایضا ص 134

بدهی مردم روستاهای حوزه عمل خود بمقر حکومت یعنی قلعه‏ اردبیل بیاورند.

مأمورین اعزامی در دهات دو فقره پول از کدخدایان میگرفتند یکی خدمتتانه و دیگر مهلتانه.در قلعه اردبیل نیز نصف مبلغی‏ که حاکم قبلی باقی قلمداد کرده بود از کدخدایان میگرفتند و آزادشان میکردند119این کار بطور مرتب با تغییر حکام تکرار میشد و مردم اردبیل دائما بدهکار دولت بودند.

میرزا حسین خان گرانمایه که از رجال خوشنام آذربایجان‏ بود در سال 1295 هجری قمری در گزارش خود به ناصر الدین شاه‏ درباره این زمان اردبیل چنین می‏نویسد:

«هفت هشت سال پیش‏تر از این مرحوم ضیاء الدوله حاکم‏ اردبیل بود اکنون نیز در مطالبه بقایای مرحوم،معروض از رعیت اردبیل میباشند.بعد از او هم سه چهار نفر حاکم شده‏اند از هرکدام نیز باقی محل مدعی هستند حتی حسنعلی خان جنرال‏ (امیر نظام گروسی)نیز مدعی است که چها هزار توامان در اردبیل باقی دارم».120

در گرفتن پول‏های ناحق از مردم کار بجائی رسیده بود که‏ گاهی بین حاکم و صاحب دیوان اختلاف میافتاد.در سفر اولی‏ که ناصر الدین شاه عازم فرنگستان بود محمد شامبیاتی حاکم اردبیل‏ و مشکین بعضی دعاوی نموده بود که صاحب دیوان منکر ادعای او بوده است.121

صاحب دیوان چهار هزار تومان باقی قلمداد نموده بود و برای وصول آن کدخدایان طایفه شاهسون و مباشرین اردبیل را تحت فشار گذاشته بود که در ضرب الاجل تعیین شده نسبت به‏ (119 و 120 و 121)-صفائی،ابراهیم،اسناد نویافته چاپ شرق سال 1349 سند مربوط به گزارش میرزا حسین خان گرانمایه به ناصر الدین شاه پرداخت آن اقدام نمایند اما چون طایفه شاهسون زیر بار نرفتند و از پرداخت آن خودداری کردند،مأمورین حکومت مثل مالیات‏ دیوان پرداخت این پول را نیز بگردن مردم اردبیل گذاشتند و چند برابر زیادتر از اصل پول از مردم مطالبه کردند.میرزا حسینخان گرانمایه در این باره می‏نویسد.122

«به حق خدا پول ناحق بود که از رعیت در مطالبه بودند بر فرض اگر باقی محل بوده در ذمه رعیتی بوده است که متفرق‏ به اطراف یا فراری بخاک روس بودند.»

یکی دیگر از این قبیل اجحافات حکومت،مطالبات مالیات‏ بی‏موقع بود که رعیت مجبور بفروش اغنام و احشام و اثاث‏ خانواده خود میشد و حاکم نیز از این رهگذر به نان و نوائی‏ میرسید و مباشرین و کدخدایان نیز سهمی از آن میبردند.

در این زمان بنا بنوشته میرزا حسینخان گرانمایه پرداخت‏ حق پادارانه سربازان اردبیل با مالکین شهر اردبیل بود.هنگامی‏ که فوج را بماموریت اعزام میداشتند تا بیست و پنج الی چهل‏ تومان وجه پادارانه نمیگرفتند بماموریت نمیرفتند.

میرزا حسینخان گرانمایه در سال 1295 هجری قمری در اردبیل دو دهکده تیول داشته و مالیات نقدش سیصد و شصت‏ تومان بوده است.وی هیجده سرباز در اختیار داشته که چهارصد و پنجاه تومان از رعیت گرفته بماموریت رفته‏اند و از این پول‏ دیناری نصیب صاحب دیوان نشده است.120

از این قبیل تعدیات سربازی برای رعیت بسیار بود.هنگامی‏ که سربازان برای ماموریت اعزام میشدند مبلغی نقد و جنس‏ برای حقوق مقرره دیوانی به رسم امدادیه از مالک میگرفتند مالک‏ هم برای اینکه سربازان خود را راضی نگهدارد تا فرار ننمایند (122 و 123)-اسناد نویافته پیشین این قبیل پولها را پرداخت میکرد.توقعات سربازان در این زمان‏ (سلطنت ناصر الدین شاه)بقدری زیاد بود که بهره مالکانه مالکان‏ برای تامین این توقعات کفایت نمیکرده است.

در این دوره سربازان اردبیل که بعلت تقلبات صاحب‏منصبان‏ حقوق خود را نگرفته بودند به مرکز حکومتی اردبیل حمله کرده‏ سرتیپ و سرهنگ خود را با افتضاح از قلعه بیرون کردند. پس از آن دستور داده شد که سرباز به اندازه گرفته شود.124

تقلب دیگر صاحب منصبان این بود که از هر سربازی که‏ بیگ‏زاده و کدخدا زاده بود رشوه میگرفتند و به جای آنها،اشخاصی‏ را میفرستادند که حتی تفنگ گرفتن هم بلد نبودند.

گواه این موضوع گزارش میرزا حسینخان گرانمایه است که‏ در سال 1295 هجری قمری به ناصر الدین شاه در این باره چنین‏ می‏نویسد:125

«پنج نفر از اشخاص با بضاعت تیول کمترین چاکر که در جزو فوج اردبیل است بسفر(ماموریت)نرفته مشغول شرارت‏ هستند.»

یکی دیگر از تقلبات صاحب منصبان آن زمان اردبیل این‏ بود که سربازان کاردان و لایق خود را که در عین حال آدمهای‏ بانفوذ بودند به بهانه‏های واهی اخراج میکردند و عوض آنرا از مالک میخواستند.

در این دوره(حوالی 1295 هجری)صدمه حکومت‏های مختلف‏ و طایفه شقاقی و صاحب‏منصبان نظام به رعیت اردبیل بسیار بوده است‏ قتل نفوس و هتک ناموس و غارت‏های بیرحمانه هرچند وقت‏ یکبار تکرار میشد.اینان سالی دو سه بار برای خودچرانی با (124 و 125)-اسناد نویافته پیشین.

دویست سوار حرکت کرده ده‏بده می‏گشتند و در هر ده یک شب‏ اقامت میکردند و برای اینکه این عمل خلاف آنها بگوش ناصر الدین‏ شاه نرسد روستائیان را تهدید میکردند که هرکس عریضه‏ای‏ در این باره بحضور شاه بدهد خانه‏اش یکجا تاراج خواهد شد126 چند فقره از این قبیل خودچرانی در اردبیل،خلخال،گرمرود و مشکین اتفاق افتاد و در نتیجه آن این شهرها بخرابی افتادند. در آن زمان امور آذربایجان با ولیعهد وقت شاهزاده مظفر الدین‏ میرزا بود و عین الدوله با عنوان پیشکاری ولیعهد عملا فرمانفرمای‏ مطلق آذربایجان بوده است و چون در شهر اردبیل احتمال بی‏نظمی‏ میرفت عین الدوله در تلگرافی که به صارم السلطنه کفیل وقت‏ حکومت اردبیل مخابره کرده می‏نویسد:«....مسلما بدانید که‏ اگر بقدر ذره‏ئی بی‏نظمی واقع بشود مسئول هستید و پوست از کله شما خواهم کند»متن تلگراف بشرح زیر است:«بعهده‏ امیر الامراء العظام صارم السلطنه چنانکه در جواب علما و معارف‏ (یعنی معاریف)اردبیل اظهار شده بندگان حضرت اقدس والاروحی‏ فدا،محض ترحم و تفضل و قبول استدعای عاجزانه آنها حکومت‏ آنجا را تغییر داده و در همین روزها حاکم دیگر مشخص و مامور خواهند فرمود و فعلا خودتان را در نیابت حکومت آنجا متکفل‏ دانسته با کمال اقتدار مشغول لوازم انتظام امور شده نهایت‏ اهتمام را بعمل آورید و مسلما بدانید که اگر بقدر ذره بی‏نظمی‏ واقع شود مسئول هستید و پوست از کله شما خواهم کند عین الدوله»!

این تلگراف سندی بسیار گویا از اوضاع ناگوار و ملالت‏بار و حکومت استبدادی آن زمان اردبیل و بطور کلی آذربایجان میباشد.127

(126 و 127)-معاصر،حسن،تاریخ استقرار مشروطیت در ایران.ابن سینا، سال 1347 ص 5